



Recognition of Two Lesser-Known Patriarchal Monuments in Qumes Region (Khodabandeh Mosque and Bahadur Khan Mosque)

neda ashoori¹, Amirhossein Salehi² (Corresponding Author), Vahid Heidary³

¹PhD student of Islamic Art, Faculty of Artificial Arts, Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran

²Assistant Professor, Department of Conservation and Restoration of Historical Monuments, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Semnan University, Semnan, Iran

³Instructor, Department of Conservation and Restoration of Historical Monuments, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Semnan University, Semnan, Iran

(Received: 17.07.2020, Revised: 14.12.2024, Accepted: 14.12.2024)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2024.20891.1095>

Abstract:

The state of Qumes, which today corresponds to the current Semnan province, was one of the areas that were considered by the Ilkhanate rulers, where many architectural works were built. The importance of studying destroyed or less remaining architectural works is that some of them have unique architectural or decorative aspects; Or they may answer some historical questions. The destroyed Khodabandeh Mosque in Damghan and the other parts of what is today the tomb of Sheikh Abulhasan Kharqani in the village of Qala-e-Naw of Shahroud are the two places investigated in this research. The purpose of the upcoming research is to recognize these two lesser-known architectural works of the Ilkhanate era and to propose theories about their antiquity and functional accuracy; The research method in this article is comparative-analytical and the data were collected by library and field methods.

The results of the research showed that the mihrab which is part of Sheikh Abolhassan Kharaghani's tomb today is a part of a mosque attributed to Abu Saeed Bahadur Khan from the Ilkhanid era. The specific deviation of the direction of the mihrab towards Bayt Al-Maqdis and the inclusion of the word "Bait al-Ma'mor" in the text of the mihrab's inscription are factors that make it clear that the direction of the mihrab was purposely built towards Bayt Al-Maqdis. It seems that the use of Persian language in the inscription of the Mihrab is the first example in the history of Iranian architecture. Also, the results showed that the destroyed mosque of Damghan, known as the ruined mosque, is the same mosque that Herzfeld calls the Khodabandeh mosque, and it was built a few steps away from Pir Alamdar's tomb in order to mistake the Qumes regional governor for a mystic.

Keywords: Masjid-Tomb, Ilkhani, Khodabandeh Mosque, Iran Concept, Abolhasan Kharqani.

1- Email: ne.ashouri@tabriziau.ac.ir

2- Email: amirhossein.salehi@semnan.ac.ir

3- Email: vahidary@semnan.ac.ir

How to cite: ashoori, N., Salehi, A., & Heidary, V. (2023). Recognition of two lesser-known patriarchal monuments in Qumes region (Khodabandeh mosque and Bahadur Khan mosque). *Journal of Applied Arts*, 3(3), 63-74.

Doi: [10.22075/aaj.2024.20891.1095](https://doi.org/10.22075/aaj.2024.20891.1095)

بازشناسی دو بنای ایلخانی کمتر شناخته شده در منطقه قومس (مسجد خدابنده و مسجد بهادرخان)

ندا آشوری^۱
امیرحسین صالحی (نویسنده مسئول)^۲
وحید حیدری^۳

^۱دانشجوی دکترای هنر اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
^۲استادیار، گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
^۳مربی، گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴)
مقاله علمی-پژوهشی <https://doi.org/10.22075/aj.2024.20891.1095>

چکیده

ایالت قومس که امروزه منطبق بر استان سمنان کنونی است از جمله مناطق مورد توجه حاکمان ایلخانان بود که آثار متعدد معماری در آن ساخته شده است. اهمیت مطالعه آثار معماری تخریب شده یا کمتر باقی مانده در آن است که برخی از آن‌ها دارای جنبه‌های معماری یا تزیینی منحصر به فردند؛ یا ممکن است به برخی پرسش‌های تاریخی پاسخ دهند. مسجد تخریب شده خدابنده در دامغان و بنای دیگر بخش‌هایی از آنچه امروزه آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی در روستای قلعه‌نو شاهرود واقع شده است؛ دو مکان مورد بررسی در این پژوهش هستند. هدف از این پژوهش بازشناسی این دو اثر کمتر شناخته شده معماری عصر ایلخانان و طرح نظریاتی پیرامون قدمت و صحت عملکردی آن‌ها است. روش تحقیق در این نوشتار تطبیقی-تحلیلی است و داده‌ها به روش اسنادی و میدانی گردآوری شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که محرابی که امروزه جزئی از آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی است بخشی از مسجدی منسوب به «ابوسعید بهادر خان» از عصر ایلخانی است. انحراف مشخص جهت محراب به سوی بیت المقدس و درج عبارت «بیت المعمور» در متن کتیبه محراب از عواملی است که روشن می‌سازد جهت محراب به عمده به سمت بیت المقدس ساخته شده بوده است. به نظر می‌رسد استفاده از زبان فارسی در کتیبه محراب اولین کاربرد آن در محراب‌های ایران است. همچنین نتایج نشان داد مسجد تخریب شده دامغان موسوم به مسجد «خرابه» همان مسجدی است که هرتسفلد مسجد «خدابنده» می‌نامد و در چند قدمی از آرامگاه پیر علمدار به جهت به اشتباه عارف انگاشتن فرماندار منطقه‌ای قومس ساخته شده است.

واژه‌های کلیدی: مسجد- مقبره، ایلخانی، مسجد خدابنده، مفهوم ایران، ابوالحسن خرقانی.

- 1- Email: ne.ashouri@tabriziau.ac.ir
- 2- Email: amirhossein.salehi@semnan.ac.ir
- 3- Email: vahidary@semnan.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: آشوری، ندا، صالحی، امیرحسین و حیدری، وحید. (۱۴۰۲). بازشناسی دو بنای ایلخانی کمتر شناخته شده در منطقه قومس (مسجد خدابنده و مسجد بهادرخان)، نشریه هنرهای کاربردی، ۳(۳)، ۶۳-۷۴. Doi: 10.22075/aj.2024.20891.1095

مقدمه

تاکنون آثار و ابنیه فراوانی از عهد ایلخانان در منطقه قومس یا سمنان امروزی شناسایی و مطالعه شده‌اند. از مهم‌ترین این بناها می‌توان به آرامگاه شیخ علاءالدوله سمنانی در روستای صوفی‌آباد، مجموعه ارسن بسطام (آرامگاه بایزید، مسجد جامع و برج کاشانه) و مسجد جامع فریومد در شهرستان میامی اشاره کرد (Adle, 1989: 2012)، (گدار، ۱۳۷۱: ۹۵ و ۹۶). اما بنای تخریب شده مسجد خدابنده (مسجد خرابه) در دامغان و آثار باقیمانده از مسجد متصل به مزار شیخ ابوالحسن خرقانی - در روستای قلعه‌نو - کمتر موضوع تحقیق پژوهشگران ایران‌شناس بوده است. در صورتی که آثار مذکور علاوه بر ویژگی‌های زیباشناختی واجد اهمیت تاریخی و سبکی بوده و برخی خصوصیات منحصر به فرد آن‌ها می‌تواند به روشن شدن دیدگاه‌های فکری و عقیده‌های جامعه عصر ایلخانی بیانجامد. از منظر دیگر این پژوهش به دو مسجد ایلخانی ناشناخته با ویژگی خاص می‌پردازد. مساجدی که در کنار دو آرامگاه ساخته شده‌اند. یک آرامگاه متعلق به صوفی شیخ ابوالحسن خرقانی است و آرامگاه دوم - موسوم به پیر علمدار - بر حسب شواهد متعلق به «ابی جعفر محمد بن ابراهیم» است؛ حاکم منطقه قومس در قرون چهارم و پنجم هجری قمری. از این جهت تاریخ‌گذاری محراب مسجد - مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی و نیز تطبیق مسجد خدابنده در تصاویر آرشبو هر تسفلد با مساجد ایلخانی دامغان و تشخیص صحت آن ضرورت دارد.

همچنین تحقیق پیش رو تلاش دارد در ادامه موارد مذکور به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- علت ساخت مسجد خدابنده (مسجد خرابه) دامغان - که از دو مسجد مطرح جامع و تاریخانه فاصله کمی دارد - چه بوده است؟

- ویژگی‌های قابل توجه محراب مسجد - مزار شیخ ابوالحسن خرقانی - نسبت به محراب‌های هم‌زمان یا پیشین - چیست و دلیل آن چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

اولین کتاب که مرجع بسیاری از پژوهشگران در شناخت آثار استان سمنان است، متعلق به عبدالرفیع حقیقت است که در کتابی با عنوان «شناسنامه آثار تاریخی کومش استان سمنان» (۱۳۷۹ هـ) آثار تاریخی استان را به تفصیل شرح داده است و در بخشی از این کتاب به شرح فرهنگ شفاهی و نواهای اهالی کومش پرداخته است. این کتاب بیشتر به شکلی کلی به بناهای موجود پرداخته است و کمتر به شکل همه

جانبه به بررسی هر یک از آثار پرداخته است. کتاب دیگر در خصوص معماری استان سمنان اثر محمد علی مخلصی است با عنوان «آثار تاریخی سمنان» (۱۳۵۶ هـ) که درباره بناهای تاریخی منطقه سمنان است و به شرح وقایع تاریخی در هر سلسله در این منطقه پرداخته است. نویسنده با نگاهی دقیق به بررسی بناهای منطقه سمنان پرداخته است. تفاوت پژوهش حاضر با این کتاب در آن است که نگارندگان به بناهایی در مکان‌های دیگر منطقه قومس پرداخته‌اند.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تطبیقی-تحلیلی استفاده شده و داده‌ها به روش اسنادی و میدانی گردآوری شده‌اند. بدین منظور از سفرنامه‌ها، عکس‌های قاجاری و یادگاری‌های نوشته‌شده بر روی بناها نیز استفاده شده است.

مسجد خدابنده (مسجد-آرامگاه پیر علمدار)

در سال ۱۳۹۹ شمسی دو تصویر از مسجدی تاریخی و کمتر شناخته‌شده در دامغان در دسترس قرار گرفته است. تصاویر متعلق به آرشبو ارنست هر تسفلد است و بانام «مسجد خدابنده دامغان» معرفی شده‌اند (تصاویر ۱ و ۲). متن کتیبه‌های مذکور توسط نگارندگان قرائت گردید که اطلاعات آن‌ها به شرح زیر است:

متن (۱): «بسم الله الرحمن الرحيم امر به بنا هذا المسجد... المعظم... خلیفه العرب و العجم سلطان... کاف (م) صالح الخلق»

سرنخ بعدی مربوط به گزارشی از سردر مسجدی کوچک به نام «سردر مسجد خرابه» متصل به آرامگاه معروف به پیر علمدار در دامغان است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۷)، (صنیع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۲۷۹)، (یغمایی، ۱۳۳۶: ۴۹). کتیبه این مسجد (متن ۳) با کتیبه موجود در تصاویر هر تسفلد همخوانی دارد:

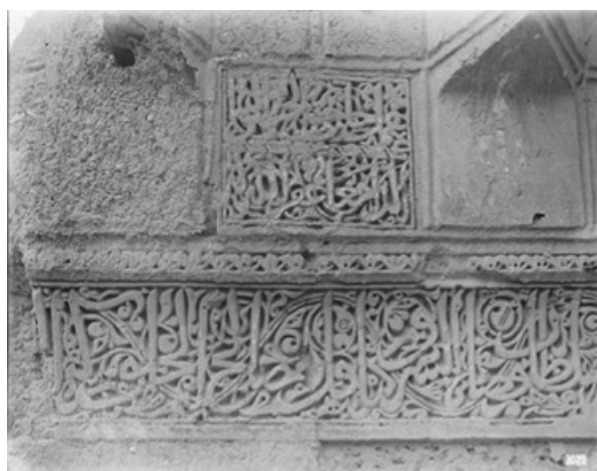
متن (۳): «بسم الله الرحمن الرحيم، امر به بناء هذا المسجد الشريف المولى المعظم الخليف العرب والعجم سلطان قضاة الشرق كافل مصالح الخلق ركن الحق والدين» و بالای کتیبه نوشته شده است: «عمل حاجی بن حسین البناء الدامغانی غفر الله له» (صنیع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۲۷۹).

متن (۲): «عمل... حسین... دامغانی غفر الله له» که در قاب مستطیل بالای آمده است.

فرزند دیگر حسین بن ابی طالب دامغانی، «حاجی» نام داشت که اسمش تنها در یکی از کتیبه‌های امضا شده در مجموعه بسطام در صومعه بایزید به‌عنوان کمک برادرش محمد بن حسین بن



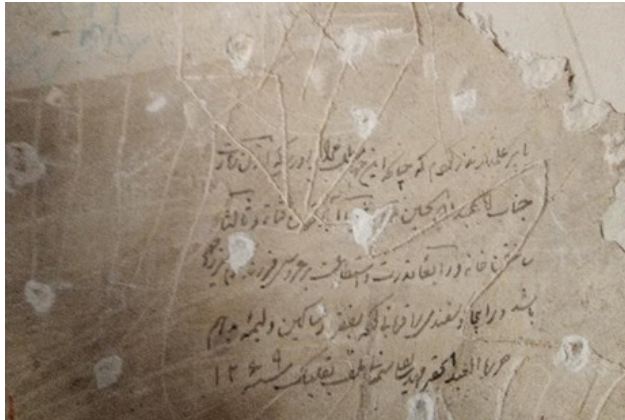
تصویر ۱- نمایی از کتیبه‌ها و مقرنس‌کاری مسجد خداپنده. منبع: (URL:1)



تصویر ۲- نمایی از کتیبه‌های خداپنده مسجد. منبع: (URL:2)

محمود» در مومن‌آباد سمنان، خانقاه «شیخ علا الدوله سمنانی» در بیابانک سمنان و خانقاه «چلیپی اوغلو» از آن دسته‌اند (صالحی، طاهریان، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۰۶)، (Blair, 1986: 241). همچنین لیزا گلمبک از مجموعه‌های آرامگاه‌ها و ابنیه در اطراف قبور عارفان بزرگ مانند بایزید بسطامی به نام «شهرهای کوچک خدا» یاد می‌کند که به علت ثروت صوفیه و نهادینه شدن تصوف در دوره ایلخانان و نیز برخی ملاحظات سیاسی دیگر شکل گرفته‌اند (Blair, 24: 1990). به نظر می‌رسد ساخت مسجد در کنار آرامگاه موسوم به «پیر علمدار» نیز به دلیل همان ملاحظاتی است که گلمبک برای ساخت «شهرهای کوچک خدا» ذکر می‌کند که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود. متن کتیبه اجرای آرامگاه موسوم به «پیر علمدار» که به خط کوفی تقریر شده نشان می‌دهد که این مقبره متعلق به حاکم منطقه‌ای آل زیار در قومس ابی جعفر محمد بن ابراهیم است که در سال ۴۱۷ هـ ق ساخته شده و سمت‌اش فرماندار بوده است (بلر، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۴۹). بر اساس کتیبه، او شخصیتی مذهبی نبوده است،

ابی‌طالب دامغانی آمده است (بلر، ۱۳۸۳: ۱۵۸). بنابراین سردر مسجد خرابه همان مسجد خداپنده در آرشیو هرتسفلد است که در دوره ایلخانی و چسبیده به آرامگاه پیر علمدار بوده است و گچ‌کار آن نیز حاجی یکی از پسران حسین بن ابی‌طالب گچ‌کار دامغانی است. موضوع مهمی که در اینجا نیاز به بررسی دارد، انتخاب مکان ساخت مسجد خداپنده است که چسبیده به آرامگاه موسوم به «پیر علمدار» و در فاصله چند ده متری مسجد جامع دامغان و مسجد تاریخانه واقع شده است. با فرض مخروبه بودن مسجد تاریخانه در زمان ایلخانان، مسجد جامع دامغان در چند قدم آن‌سوتر می‌توانسته نیازهای مؤمنین را برای امور دینی فراهم کند. بنابراین چه دلیلی برای ساخت مسجدی متصل به آرامگاه پیر علمدار وجود داشته است؟ در طبقه‌بندی ویلبر در بناهای دوره ایلخانی ابنیه‌ای که کاربرد دینی دارند به ترتیب بیشتر ۱- مسجد، ۲- مقبره و ۳- مدرسه هستند و مجموعه‌ها نیز بر اساس ترکیبی از مسجد، مقبره و آرامگاه هستند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۷). به این دسته‌ها شاید بتوان خانقاه‌ها را نیز اضافه کرد که نمونه خانقاه «درویش



تصویر ۳- یادگاری از سال ۱۲۶۹ هـ ش بر دیوار آرامگاه پیر علمدار مینی بر قربانی جهت ولیمه و عرض ارادت به پیر علمدار. منبع: (نگارندگان).



تصویر ۴- راست: محراب مسجد- آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی مربوط به زمان ایلخان ابوسعید بهادرخان که با شیشه پوشانده شده. منبع: (نگارندگان). تصویر ۵- چپ: برگردان گرافیکی کتیبه محراب، منبع: (نگارندگان).

برای یادبود بانویی ساخته شده بود، اکنون به نام امامزاده عبدالله شهرت دارد (همان جا). آن که این اتفاق چه زمانی برای آرامگاه فرماندار قومس رخ داده مشخص نیست، اما یادگاری‌های نوشته شده بر روی دیوار بنا نشان می‌دهد که در دوره قاجار افرادی برای ادای نذر و قربانی کردن به آرامگاه پیر علمدار می‌آمدند (تصویر ۳). به نظر می‌رسد ساخت مسجد متصل به پیر علمدار، با توجه به وجود مسجد جامع دامغان در نزدیکی آن، نمی‌توانسته تصادفی باشد و به احتمال زیاد بنا در زمان ایلخانان و در اذهان مردم، کارکردی شبیه به آرامگاه‌های مذهبی را داشته‌است و از جهت بزرگداشت، دستور

اما نام بنا یعنی پیر علمدار به ما می‌گوید که باگذشت زمان طولانی یاد و خاطره شخص مدفون تغییر کرده و از عنوان «فرماندار» به عنوان دینی «پیر علمدار» تبدیل شده است. نمونه‌هایی وجود دارد که در جریان زمان، آرامگاه شخصی غیردینی از محیط اطراف خود مقدس بودن را کسب می‌کرده و بسیار ممکن بود که به صورت عبادتگاه نیز درآید، هویت اصلی فرد مدفون فراموش می‌شد و با هویت کسی که با اعتقادات دینی منطقه هماهنگی داشت تعویض می‌گردید (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۶۷). در مواردی که حتی کتیبه فرد اصلی به خاک سپرده شده در معرض دید هم قرار داشت هویت مذهبی جدید اعتبار می‌یافت، برای مثال برج لاجیم که

ساخت مسجدی در کنار آن داده شد.

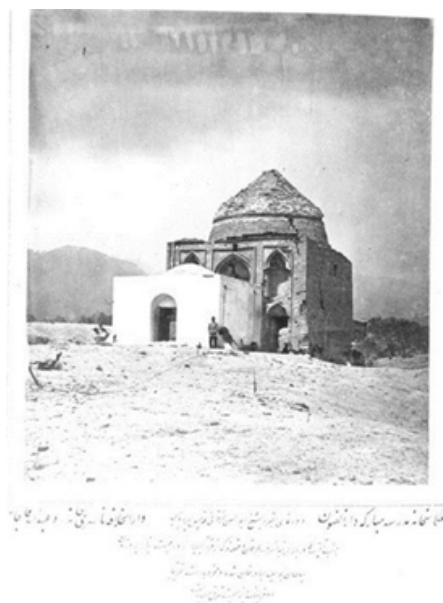
آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی و مسجد متصل به آن در روستای قلعه‌نو

ابوالحسن خرقانی صوفی قرون چهارم و پنجم هجری قمری است که سهروردی، تبار معنوی او را به حلاج و پیش از آن به بایزید بسطامی و از آنجا به تفکر خسروانی پیش از اسلام ایران مربوط می‌کند و گفته شده که افراد معروفی در زمان او مانند محمود غزنوی و ابوعلی سینا به دیدار او رفته‌اند و از او پند گرفته‌اند (Landolt, 2014: 306-503). آرامگاه او در شهرستان شاهرود و حدود ۲۰ کیلومتری شمال بسطام، در روستای قلعه‌نو، قرار دارد. بنای آرامگاه درون باغی قرار گرفته و نمایی جدید و مرمت‌شده دارد. درون آرامگاه، که امروزه به شکل مسجد درآمد است و در کنار قبر شیخ، محراب گچ‌بری آسیب‌دیده‌ای وجود دارد که به‌منظور حفاظت با شیشه پوشانده شده است (تصویر ۴). این محراب با توجه به استفاده نکردن از خط کوفی در کتیبه‌های آن، ویژگی‌های گچ‌بری‌ها و همچنین شکل تاق، به دوره مغول نسبت داده شده است (160-162: Hillenbrand, 1971).

اولین سرنخ برای مشخص کردن ویژگی‌های محراب و ارتباط آن با مقبره شیخ ابوالحسن از سفرنامه صنیع‌الدوله در دوره قاجار معلوم می‌شود زمانی که او به مقبره و مسجدی چسبیده به آن اشاره می‌کند:

متن (۴): «مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی قدس سره

که از مشایخ کبار و معارف عرفای حقایق آثار است و در حوالی آبادی خرقان و بر روی تپه ایست، ... در عهد شهریار مسرور ماضی «محمد شاه غازی» طالب ثراه (پدر تاجدار اعلیحضرت ناصرالدین شاه) قبه بنا شده و آن هم از بی‌توجهی اهالی در شرف انهدام است در طرف مغرب متصل به مقبره مسجدی مربع است. بسیار مرتفع و منتهی به گنبدی که به شکل مخروطی بی‌شبهت نیست و ظاهر گنبد را کاشی‌کاری نموده‌اند، در داخل گنبد در دوره کتیبه‌ای گچ‌بری شده است. عین عبارت که چند کلمه‌ی آن محوشده این است، بسم‌الله الرحمن الرحیم انما یعمّر مساجد الله من امر بالله والیومر الاخروقد امر بنا القبه المبارکه فی ایام الدوله السلطان الاعظم مالک رب قا الا ممرغیث الدینا والدی ابوسعید بهادر خان خلد الله ماکه... الامیر العادی مخلص الملک خسرو آفاق کروی جنونیان یرند عدله رجا شفاعه سلطان الاولیاسند العارفین و قطب السالکین ابیالحسن قدس الله روحه تعبتد الله منه شیخ الاسلام المعظم صدرالله والدین اموین مدین ابی القاسم بسعی مشایخ العضا نظامن الملّه والدین ...ی بن القاسم ور کز الملّه والذین ابو الحسن متاج الملّه والدین محمد ابنا الشیخ الصدر الذین ادامرالله برکاته» (صنیع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۸۲-۸۱). بر اساس کتیبه‌ای که صنیع‌الدوله خوانده‌است، بنای مسجد چسبیده به آرامگاه ابوسعید بهادرخان (۷۳۶-۷۱۶ هـ.ق) آخرین حاکم ایلخانی بوده که



تصویر ۶- دورنمای قبر شیخ ابوالحسن خرقانی و مسجد بهادر خان در کنار آن از مجموعه عکس‌های عبدالله قاجار
منبع: (آرشیو مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان سمنان).

ارادت خود را به شیخ ابوالحسن خرقانی با ساخت مسجد در کنار آرامگاه او نشان داده است. این مسجد علاوه بر توصیف صنیع الدوله، در سند تصویری باقی مانده از عکاس دربار قاجاری «عبدالله قاجار» نیز مشخص است (تصویر ۶). صنیع الدوله در ادامه توصیف خود از مسجد اشاره به دو محراب در مسجد می کند که یکی کوچک است و جهت قبله را نشان می دهد و دیگری محرابی است که به نظر او برای هماهنگی با بنا ساخته شده است و دارای کتیبه‌ای به شرح زیر است:

متن (۵): «...علی شیخ قدس الله روحه قبله پنج است کعبه قبله مومنان است و بیت المعمور قبله فرشتگان است... و عرش قبله دعاگویانست و حق قبله جوانمردان و دوستان» (همان: ۸۳). بخش‌هایی از این متن در کتیبه محراب آرامگاه

دیده می شود (تصویر ۵). بر همین اساس مشخص می گردد که محراب گچ‌بری که امروزه در چند قدمی قبر قرار گرفته، جزئی از مسجد ساخته شده توسط ایلیخان ابوسعید بهادرخان است. متن کتیبه و جهت محراب ویژگی‌های متفاوتی را در مقایسه با دیگر محراب‌ها از خود نشان می دهد: اولین ویژگی استفاده از عبارت‌های فارسی در کتیبه محراب است. این کتیبه به صورت غیرعادی و برخلاف نمونه‌های دوره‌های پیش و هم‌زمان، از زبان فارسی به جای عربی استفاده کرده است. بدین منظور کتیبه‌های تعدادی از محراب‌های منتشر شده از قرون پنج و شش هجری قمری و نیز محراب‌های ایلیخانی بر اساس زبان مورد استفاده بررسی شد (جدول ۱)؛ در تمامی نمونه‌های مورد بررسی زبان مورد استفاده زبان عربی بود.

جدول ۱- زبان مورد استفاده در محراب‌های ایران از قرن چهارم هجری قمری تا پایان ایلیخانان بر اساس برخی از کتیبه‌های انتشار یافته بر اساس اطلاعات آرشیوی. منبع: نگارندگان).

شماره	نام بنا	زبان دوره	منبع
۱	آرامگاه شیر کبیر در دهستان	عربی	(بلر، ۱۳۹۴: ۹۱)
۲	مسجد جامع نائین	“	(قوچانی، ۱۳۷۵: ۱۳۸)
۳	مسجد سر کوچه محمدیه نائین	“	(قوچانی، ۱۳۷۵: ۱۴۰)
۴	مسجد جامع قروه	“	(بلر، ۱۳۹۴: ۱۴۶)
۵	محراب در تنگ الله اکبر شیراز	“	(بلر، ۱۳۹۴: ۱۱۶)
۶	مسجد میدان ابیانه	“	(بلر، ۱۳۹۴: ۲۲۲)
۷	مسجد پامنار زواره	“	(بلر، ۱۳۹۴: ۲۱۵)
۸	مسجد جامع هنر	“	(بلر، ۱۳۹۴: ۲۲۷)
۹	مسجد سجاس	“	(Hillenbrand, ۱۹۷۵: ۷۰)
۱۰	امامزاده نور در گرگان	“	(Hillenbrand, ۱۹۸۷: ۷۱)
۱۱	امامزاده کرار اصفهان	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۸۳-۸۲)
۱۲	مسجد جامع ساوه (محراب کوچک)	“	(قوچانی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۱)
۱۳	مسجد شاه ابوالقاسم یزد	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۷۴)
۱۴	محراب‌های مسجد جامع اردستان	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۹۵-۹۳)
۱۵	مسجد جامع تبریز (محرابی مرکب)	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۹۷-۹۶)
۱۶	مسجد علی نوش آباد کاشان	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۱۰۱-۱۰۰)
۱۷	مسجد ملک در کرمان	“	(Anisi, ۲۰۰۴: ۱۵۴)
۱۸	مسجد امام حسین (میانده قمصر)	“	(سجادی، ۱۳۷۲: ۱۰۵-۱۰۴)
۱۹	گنبد علویان (همدان)	“	(نظری ارشد و زارعی، ۱۳۹۵: ۱۵)
۲۰	مدرسه حیدریه قزوین	“	(فیضی، حاجی زاده، صادقی، ۱۳۹۸: ۶۶)
۲۱	مسجد جابر سیان	“	(فیضی، حاجی زاده، صادقی، ۱۳۹۸: ۶۵)

۲۲	مسجد جامع گلپایگان (دو محراب)	“	به‌احتمال سلجوقی	(قوچانی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۱)
۲۳	مسجد گنبد سنگان پائین (خواف)	“	سلجوقی	(قوچانی، ۱۳۸۰: ۵۳)
۲۴	مسجد جامع ساوه (محراب سمت راست شبستان گنبد)	“	به‌احتمال سلجوقی	(قوچانی، ۱۳۸۰: ۵۶-۵۵)
۲۵	مسجد میر نطنز	“	سلجوقی	(فیضی، حاجی‌زاده، صادقی، ۱۳۹۸: ۶۶)
۲۶	مسجد جامع فریومد (محراب کنار ایوان اصلی)	“	پیش از ایلیخانی	(نگارندگان)
۲۷	مقبره پیر حمزه سبزویش	“	سلجوقی	(فیضی، حاجی‌زاده، صادقی، ۱۳۹۸: ۶۶)
۲۸	محراب مسجد جامع هفتشویه	“	قرون ۷-۵	(رازانی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۲)
۲۹	محراب مسجد ملک زوزن (خواف)	“	اوایل قرن شش	(افشار مهاجر و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۲)
۳۰	محراب مسجد جامع مرند ^۳	-	ایلیخانان	(ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۵)
۳۱	محراب مسجد جامع ورامین	“	ایلیخانان	(ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۷۱)
۳۲	محراب امام‌زاده ابوالفضل (محلات بالا)	“	ایلیخانان	(ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۹)
۳۳	محراب مسجد ازیران (اصفهان)	“	ایلیخانان	(ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۷۸)
۳۴	محراب امام‌زاده خواجه عمادالدین (قم)	“	ایلیخانان	(ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۰۳)
۳۵	محراب الجایتو مسجد جامع اصفهان	“	ایلیخانان	(قاسمی سیجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳)
۳۶	محراب مسجد جامع ارومیه	“	ایلیخانان	(قاسمی سیجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶)
۳۷	محراب مسجد جامع اشترجان (اصفهان)	“	ایلیخانان	(هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۷۵-۲۷۳)
۳۸	مسجد بایزید بسطامی	“	ایلیخانان	بررسی میدانی نگارندگان
۳۹	مسجد جامع بسطام	“	ایلیخانان	بررسی میدانی نگارندگان
۴۰	صومعه بایزید (دو محراب)	“	ایلیخانان	بررسی میدانی نگارندگان
۴۱	مسجد جامع ارومیه	“	ایلیخانان	(فیضی، حاجی‌زاده، صادقی، ۱۳۹۸: ۶۷)
۴۲	محراب مقبره پیر بکران	“	ایلیخانان	(هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۶۰)
۴۳	مسجد جامع روستای فارفان (اصفهان)	“	ایلیخانان	(صالحی کاخکی، تقوی نژاد، ۱۳۹۵: ۸۵)
۴۴	مسجد جامع ابرکوه / ابرقویز	“	ایلیخانان	(صالحی کاخکی، تقوی نژاد، ۱۳۹۵: ۸۸)
۴۵	محراب مسجد کوچک میر نطنز	“	ایلیخانان	(صالحی کاخکی، راشدنیا، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۱)
۴۶	محراب مسجد جامع ساوه (سمت چپ شبستان گنبد)	“	ایلیخانان	(قوچانی، ۱۳۸۰: ۴۴)
۴۷	مسجد جامع فریومد (محراب ایوان اصلی)	“	ایلیخانان	(نگارندگان)
۴۸	محراب آرامگاه میر زبیر (سیرجان)	“	ایلیخانان	(صالحی کاخکی، راشدنیا، ۱۳۹۷: ۱۰۰)



تصویر ۷- تفاوت زاویه آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی با مکه و بیت‌المقدس. منبع: (نگارندگان).

دلیل استفاده از عبارت‌های فارسی در محراب مسجد- آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی را می‌توان در بستر تاریخی-اجتماعی ایران در زمان ایلخانان و نیز زبان نوشته‌های شیخ ابوالحسن خرقانی جستجو کرد. در حالی که بیشتر رساله‌های شناخته‌شده از بزرگان عرفانی به زبان عربی نوشته شده‌اند، اغلب سخنان شیخ ابوالحسن خرقانی به زبان فارسی متداول در منطقه بوده است (Landolt, 2014:306-503). نکته کلیدی دیگر در استفاده از زبان فارسی، بازآفرینی مفهوم ایران در دوره ایلخانان است؛ با کشته شدن خلیفه و نابودی بغداد عباسیان توسط هولاکو، تلاش‌های ایرانیان که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود به نتیجه رسید. این تلاش‌ها در دوره ایلخانی در شکل‌هایی مختلف، مانند استفاده گسترده از زبان فارسی و نام ایران در نوشته‌ها و یا به کار بردن عبارت‌های فارسی بر روی سکه‌ها به جای عبارت‌های عربی خود را نشان داد (آقاجری، فضلی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳-۳) (Karimian, Salehi, 2015: 59). از این رو به نظر می‌رسد استفاده از زبان فارسی در این محراب، بخشی از همان جریان در دوره ایلخانی بوده است که اجازه استفاده از نوشته‌های فارسی این صوفی را در محراب ممکن کرده بود.

دومین ویژگی محراب، جهت آن است. جهت محراب به شکل عجیبی انحراف به سمت راست دارد و در جهت غرب است. صنایع‌الدوله به این موضوع پرداخته و به راحتی دلیل آن را اقتضای بنا دانسته است (صنایع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۸۳). بررسی وضعیت جغرافیایی منطقه نشان می‌دهد که امکان خطای معماران در تشخیص جهت جنوب بسیار اندک است، زیرا جهت شمال از هر نقطه‌ای از روستا با توجه به وجود رشته‌کوه‌های البرز قابل تشخیص است. می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال بسیار زیاد جهت قبله به عمد به سمت غرب متمایل شده است. در کتیبه محراب، متن (۵)، اشاره به پنج قبله شده است که یکی از آن‌ها «بیت‌المعمور» قبله فرشتگان است. بیت‌المعمور به معنای «خانه آباد» است که خداوند در قرآن به آن سوگند می‌خورد (اخوان مقدم و شاه‌میرانی، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۹۰). برخی مکان آن را در زمین و یکی از محل‌های مقدس (۱- کعبه، ۲- قلب مؤمنان، ۳- بیت‌المقدس، ۴- مسجدالاقصی) را جایگاه آن در نظر می‌گیرند و برخی نیز مکان آن را در آسمان می‌دانند (همان‌جا). از متن کتیبه محراب مشخص می‌گردد که از نظر گچ‌کار این کتیبه، بیت‌المعمور با کعبه یکی نبوده است، زیرا در کتیبه کعبه

خود قبله مؤمنان است، از طرفی انحراف جهت قبله در آرامگاه به نفع جهت بیت‌المقدس است (تصویر ۷). بنابراین با توجه به متن کتیبه و زاویه قبله آن می‌توان گفت به احتمال بسیار زیاد جهت این قبله به سمت بیت‌المعمور در بیت‌المقدس یا مسجدالاقصی است.^۴

نتیجه‌گیری

بر اساس شباهت کتیبه‌های تصاویر مسجد خداینده در آرشیهوهرتسفلد با کتیبه‌های سردر مسجد خرابه دامغان معلوم گشت که این دو بنا یکی بوده و محل آن در جوار آرامگاه پیر علمدار بوده است. تزئینات گچی مسجد نیز توسط حاجی از اعضا خانواده گچ-کاران دامغانی انجام شده بود. در جواب پرسش پژوهش در چرایی ساخت مسجد خداینده با وجود نزدیکی دیگر مساجد مشخص شد که آرامگاه موسوم به «پیر علمدار» که در اصل آرامگاه غیردینی فرماندار قومس در زمان آل‌زیار بوده که در دوره ایلخانی به آرامگاه شخصیتی دینی تبدیل شده بود. همین امر باعث ساخت مسجد خداینده در جوار آرامگاه جهت بزرگداشت او شد. بنابر کتیبه خوانده‌شده توسط صنایع‌الدوله، ساخت مسجد متصل به مزار شیخ ابوالحسن خرقانی در زمان ابوسعید بهادرخان نیز به همین دلیل یعنی بزرگداشت شیخ بوده است. بنابراین باید مسجد-مزار یا مسجد-آرامگاه را نیز از دیگر دسته‌بندی‌های بناهای ایلخانی در نظر گرفت. همچنین بررسی‌های تطبیقی نشان داد که محراب گچ‌بری که امروزه در چند قدمی قبر شیخ ابوالحسن قرار دارد، در زمان ابوسعید بهادرخان ساخته شده است و جزئی از مسجد متصل به آرامگاه بوده است. در جواب پرسش دیگر پژوهش در چیستی ویژگی‌های متفاوت محراب مسجد-مزار شیخ ابوالحسن خرقانی با دیگر محراب‌ها و دلایل احتمالی آن باید گفت که مقایسه کتیبه‌های این محراب با کتیبه‌های نزدیک به پنجاه محراب دیگر از قرن چهارم هجری قمری تا پایان ایلخانان نشان داد که برای اولین بار در این محراب از زبان فارسی استفاده شده است. اجازه استفاده از زبان فارسی به احتمال به علت جریان قوی بازآفرینی مفهوم ایران در دوره ایلخانان و نیز نگارش رساله‌های شیخ ابوالحسن خرقانی به فارسی توسط شخص شیخ ابوالحسن خرقانی بوده است. این محراب به احتمال بسیار زیاد به عمد در جهت بیت‌المقدس قبله اول مسلمین ساخته شده و کتیبه‌ها و جهت جغرافیایی آن تایید کننده این موضوع است.

پی‌نوشت

۱. از مسجد آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی تنها محراب باقی‌مانده و کتیبه‌های مسجد خدابنده نیز گویا در سال‌های گذشته سرقت شده‌است.
۲. در پرونده ثبتی میراث فرهنگی بنا به قرون ۵ و ۶ نسبت داده شده‌است.
۳. در گزارش ویلبر به "تعمیر شد به" اشاره شده است اما عبارت بعدی که عربی است را در گیومه قرار داده بنابراین مشخص نمی‌شود که آیا به فارسی نوشته‌ای وجود دارد یا خیر.
۴. به احتمال محراب‌های دیگری نیز برای دیگر قبله‌ها در مسجد وجود داشته‌است.

منابع

- آقاجری، هاشم؛ فضل‌نژاد، احمد (۱۳۸۸). بازیابی مفهوم ایران‌زمین در آثار و آراء حمدالله مستوفی قزوینی، **تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری** فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال نوزدهم، دوره چهاردهم، شماره ۱، پیاپی ۱۶، ۲۵-۱.
- اخوان مقدم، زهره؛ شاه‌میرانی، ناهید (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی آراء مفسران فریقین در چیستی و کجایی «البیت‌المعمور»، **علوم قرآن و حدیث**، مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی، شماره ۱، ۱۰۶-۸۷.
- افشار مهاجر، کامران؛ صالحی، سودابه؛ قلیچ‌خان، حمیدرضا؛ فرید، امیر (۱۳۹۶). نقد تجسمی محراب گچ‌بری مسجد ملک زوزن خواف (با تأکید بر نظام نوشتاری کتیبه‌ها)، **پژوهشنامه خراسان بزرگ**، دوره ۷، شماره ۲۸، ۵۰-۳۷.
- بلر، شیلا (۱۳۹۴). **نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین**، مهدی گلچین عارفی مؤسسه تألیفات، نشر و ترجمه آثار هنری متن.
- بلر، شیلا (۱۳۸۳). **کتیبه برج مقبره‌ای بسطام تحلیلی از نوشتاری تاریخی در دوره ایلخانی**، ترجمه محمدابراهیم زارعی، اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، ۱۷۴-۱۵۰.
- راشدنیا، زهرا؛ صالحی کاخکی، احمد؛ تقوی نژاد، بهاره (۱۳۹۷). مطالعه تزیینات گچ‌بری آرامگاه میرزبیر سیرجان و بررسی انتساب آن به هنرمندان کرمانی، **مطالعات باستان‌شناسی**، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۱۴-۹۵.
- رازانی، مهدی (۱۳۸۶). معرفی محراب مسجد جامع هفتشویه، **فرهنگ اصفهان بهار**، شماره ۳۵، ۵۴-۵۱.
- سجادی، علی (۱۳۷۲). **سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما سوسن بیانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
- فراهانی، ابوالفضل؛ قوچانی، عبدالله (۱۳۸۰). **مسجد جامع ساوه**، تهران: موسسه انتشارات تعاون، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- قاسمی سیچانی، مریم؛ قنبری شیخ شبانی، فاطمه؛ قنبری شیخشانی، محبوبه (۱۳۹۶). تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، شماره ۳، سال ۵، ۶۶-۴۹.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۸۲). **بررسی کتیبه‌های مسجد جامع گلپایگان**، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده زبان و گویش.
- صالحی، امیرحسین؛ طاهریان، محمد (۱۳۹۶). **بررسی باستان‌شناختی و آثار معماری شهرستان سمنان در قرون ۵ تا ۸، محسن‌نامه (مجموعه مقالات ایران‌شناسی)**، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۱-۱۰۵.
- صالحی کاخکی، احمد؛ تقوی نژاد، بهاره (۱۳۹۵). پژوهشی بر آرایه‌های هندسی محراب‌های گچ‌بری دوره‌ی ایلخانی در ایران، **پژوهش‌های معماری اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱، ۹۵-۷۷.
- صالحی کاخکی، احمد؛ راشدنیا، زهرا (۱۳۹۵). **تاریخ‌گذاری محراب‌های مسجد کوچه میر نطنز، مطالعات معماری ایران**، شماره ۱۰، ۳۱-۹.
- صالحی کاخکی، احمد؛ تقوی نژاد، بهاره (۱۳۹۶). **جستاری در نسب‌شناسی و ویژگی‌های سبک فردی**

- هنرمندان گچ‌بر در قرن هشتم هجری، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره چهاردهم، سال پنجم، ۱۱۲-۸۴.
- صنیع‌الدوله، محمدحسن خان (اعتمادالسلطنه) (۱۳۰۳ هـ.ق). **مطلع والشمس**، جلد ۳، محل نشر: دارالخلافة طهران، ۲۷۹.
- صنیع‌الدوله، محمدحسن خان (اعتمادالسلطنه) (۱۳۰۳ هـ.ق). **مطلع والشمس**، جلد ۱، محل نشر: دارالخلافة طهران، ۸۱-۸۳.
- فیضی، فرزاد؛ حاج زاده، کریم؛ صادقی، سارا (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی مضامین دینی در کتیبه‌های محراب‌های گچی دوره سلجوقی و ایلخانی، **پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان**، شماره ۱۷، ۶۱-۷۵.
- گدار، آندره (۱۳۷۱). **آثار ایران**، جلد سوم و چهارم، انتشارات آستان قدس رضوی.
- نظری ارشد، رضا؛ زارعی، علی (۱۳۹۵). بررسی آرایه‌های معماری گنبد علویان همدان، **نگارینه هنر اسلامی**، شماره ۹، ۴-۱۲.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). **معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان**، مترجم: عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰). **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**، اصفهان: انتشارات امامی.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۳). **مقابر، معماری ایران دوره اسلامی (مجموعه مقاله)**، گردآورنده یوسف کیانی، تهران، ۵۸-۱۱۸.
- یغمائی، اقبال (۱۳۳۶). **جغرافیای تاریخی دامغان**، چاپخانه آفتاب.

References

- Adle, C. (1989). BESTĀM (3). In *Encyclopædia Iranica* (Vol. IV, 177–180).
<https://iranicaonline.org/articles/bestam>
- Adle, C. (2012). FARYŪMAD. In *Encyclopædia Iranica* (Vol. IX, 384–385).
<https://iranicaonline.org/articles/faryumad>
- Anisi, A. (2004). The Masjid-i Malik in Kirman. *Iran*, 42, 137–157.
- Blair, S. S. (1986). The Mongol Capital of Sulṭāniyya, “The Imperial.” *Iran*, 24, 139–151.
- Blair, S. S. (1990). Sufi Saints and Shrine Architecture in the Early Fourteenth Century, *Muqarnas*, 7, 35–49.
- Hillenbrand, R. (1971). Mosques and Mausolea in Khurāsān and Central Iran. *Iran*, 9, 160–162.
- Hillenbrand, R. (1987). Saljūq Monuments in Iran. V. The Imāmzāda Nūr, Gurgān. *Iran*, 25, 55–67.
- Hillenbrand, R. (1975). Salḡūq Monuments in Iran: iii: The Domed Maṣḡid-i Gāmi‘ at Suḡās. *Kunst Des Orients*, 10(1/2), 49–79.
- Landolt, H. (2014). Abu’l-Hasan Karaqānī. In *Encyclopædia Iranica* (Vol. I, 306–503).

-URL1:<https://www.si.edu/object/archives/components/sova-fsa-a-06-ref28061?destination=object/archives/sova-fsa-a-06%3Fpage%3D3>

برگرفته از آرشیو هر تسفلد 1946 FSA.A. 06 FSAA. 06 GN.04 6, Item شناسایی 3028 Accessed at 19-06-2020

-URL2:<https://www.si.edu/object/archives/components/sova-fsa-a-06-ref28063>

برگرفته از آرشیو هر تسفلد 1946 FSA.A. 06 FSAA. 06 GN.04 6, Item شناسایی 3020 Accessed at 19-06-2020